



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## نقش تئاتر درسی در تسهیل آموزش دانش‌آموزان

ندا عظیم زاده<sup>۱</sup>، اشرف عظیم زاده<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

۲- لیسانس حسابداری، دانشگاه آزاد شوشتر

[nedaazimzadeh1400@gmail.com](mailto:nedaazimzadeh1400@gmail.com)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقش تئاتر درسی در تسهیل آموزش دانش‌آموزان انجام شد. نمایش، فرصت یادگیری فعال و معنادار را فراهم می‌کند؛ چون که بخش فیزیکی، روانی و هیجانی فرد را درگیر می‌کند. پژوهش حاضر از لحاظ هدف تحقیق با توجه به اهداف پژوهش، جزو پژوهش‌های کاربردی است. از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهش در مجموعه تحقیقات پیمایشی و شبه آزمایشی قرار می‌گیرد. به منظور سنجش میزان یادگیری فراگیران، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته، مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون متشکل از ۱۱ سؤال عینی پنج گزینه‌ای بود. تعیین روایی آن توسط اساتید حوزه علوم تربیتی و کارشناسان و آموزگاران دوره ابتدایی مورد تأیید قرار گرفت و جهت تعیین پایایی پرسشنامه روش آلفای کرون باخ مورد استفاده قرار گرفت که ۰/۹۶ محاسبه شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی اهواز بود که با توجه به طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و محدودیت در اجرای این طرح، از نمونه در دسترس که تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند. جهت تحلیل توصیفی از جدول فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد استفاده شد. جهت مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است. پژوهش حاضر نیز استفاده آموزش تئاتر درسی، به‌عنوان یکی از بهترین روش‌ها برای تثبیت آن چه که از طریق روش‌های تدریس رایج به دانش‌آموز انتقال یافته، مورد تأیید واقع گردید.

**کلمات کلیدی:** تئاتر درسی، تسهیل یادگیری، معلمان، دانش‌آموزان



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

همه کشورها در تکاپوی آماده‌سازی مدارس خود در قرن بیست و یکم می‌باشند، این امر هم‌اکنون با سرعت و شدت بیشتری در حال انجام است. مطالب و گزارش‌های مربوط به آموزش و پرورش همگی گویای آن است که مسئولان، سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش کشورها در سال‌های اولیه قرن ۲۱، تلاش‌ها و فعالیت‌های خود را شدت بخشیده و سرگرم تدوین یا به اجرا درآوردن راهبردها و سیاست‌های جدید قرن جاری هستند. هم‌اکنون، آموزش، کلید ورود و عبور از قرن بیست و یکم توصیف شده است. راهبردهای مهمی که در سطح بین‌المللی برای بازنگری و اصلاح ساختار آموزش و پرورش مورد توجه برنامه‌ریزان و مقامات آموزشی جهان قرار گرفته، دربرگیرنده همه ابعاد آموزش و پرورش است. تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های متنوع از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم این آموزش‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت تا آنجا که اکنون آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها، به‌ویژه جوامع صنعتی، در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی در حرکت است (آزاد، ۲۰۰۶)

هم‌زمان با نهادینه شدن نقش و اهمیت آموزش و پرورش در رشد و توسعه جوامع، متخصصان کوشش‌های زیادی را برای علمی-کردن و پویاسازی این امر ارزشمند آغاز کرده‌اند. نظام‌های آموزشی دارای حوزه‌های مختلفی است که برجسته‌ترین آن «برنامه درسی» است. این حوزه به دلیل اهمیتی که برای تحقق اهداف آموزشی داشته است، متصدیان تربیتی و آموزشی آن را هسته مرکزی و قلب نظام آموزشی می‌دانند. هدف نهایی همه برنامه‌های درسی، تدوین برنامه‌های درسی مدون است. برنامه‌های درسی را می‌توان طرحتی برای آماده کردن مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم باهدف تغییرات مؤثر و پایدار در ابعاد مختلف شخصیتی به لحاظ جسمانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی تلقی کرد که همان یادگیری نام دارد (لاکت، ۲۰۰۹). فرایندهایی که از طریق آن بتوان به تحقق هدف یک برنامه درسی دست یافت، عمدتاً آموزش نام دارد؛ اما سؤال اساسی این است هنگامی که بحث از آموزش می‌شود، منظور کدام نوع آموزش است؟

امروزه بشر در سایه رشد فناوری هر لحظه بر اطلاعات و یافته‌های خود می‌افزاید و نظام‌های آموزشی موظف هستند این اطلاعات حجیم را به یادگیرندگان خویش انتقال دهند؛ از طرف دیگر، یکی از اهداف اساسی هر برنامه درسی و به تبع آن مدارس، شناخت مسائل اجتماعی و یافتن راه‌حل‌های منطقی و اثربخش برای مسائلی است که عناصر سازندهی آن در جوامع مختلف متفاوت است و نمی‌توان با استفاده از برنامه‌های درسی یکسان و با کاربست روش‌های آموزشی غیرفعال و عمدتاً از طریق کتاب‌های درسی و معلم مسائل را حل و فصل کرد و دانش اطلاعات را انتقال داد؛ بلکه باید با تدوین برنامه‌های درسی مناسب، متنوع و مؤثر و به‌کارگیری روش‌های فعال آموزشی پرورش مهارت‌های زندگی در یادگیرندگان را تقویت کرد تا آنان خود بتوانند به کسب دانش و حل مسائل مختلف اجتماعی مبادرت کنند؛ بنابراین آموزش‌های مؤثر و پژوهش‌های ناظر بر این آموزش‌ها یکی از محورهای اساسی در توسعه همه‌جانبه، به‌ویژه تحقق سیاست‌های کلان در کشورها محسوب می‌شود.

در این راستا هدف این پژوهش بررسی تأثیر اجرای تئاتر درسی بر میزان یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی هست. روش‌های مختلفی برای انتقال دانش و ایجاد یادگیری وجود دارد؛ یکی از این شیوه‌ها شرکت دادن دانش‌آموزان در گروه‌های تئاتر است. سازگاری و تحول هنر تئاتر در طول تاریخ به‌گونه‌ای است که تا به امروز باوجود گسترش و پیشرفت فناوری‌های چشمگیر در هنرهای نمایشی بصری از جمله تلویزیون و سینما، پیدایش اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، موجودیت تئاتر نه تنها کمرنگ و فراموش نشده، بلکه قابلیت‌های خود را متناسب با ظرفیت هر دوره آشکارتر ساخته است (فتحی، ۱۳۸۰). دورتر و هیئتکات



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(۱۹۷۶) معتقدند نمایش هر عمل یا موقعیتی است که ما در آن درگیر نقشی فعال می‌شویم و مسئله اصلی به جای شخصیت، نگرش است. ما برای داشتن موقعیتی نمایشی، از همه تجارب و تصورات خود استفاده می‌کنیم (به نقل از کالیداس، ۲۰۱۳). کودکان می‌توانند از طریق نمایش، ارتباطات، رویدادها و مسائل خود را کشف کنند. در واقع، نمایش زبانی نمادین است که با آن، جهان واقعی را نشان می‌دهیم و سال‌ها هنر با این هدف به‌کاررفته است (سامرز، ۲۰۱۳)

تئاتر درسی، درواقع زیرمجموعه‌ای از تئاتر درمانی است. تئاتر درمانی و اجزای وابسته به آن همچون سوسیودرام، اجرای نقش و سوسیومتری را دکتر جیکوب آل مورنو (۱۸۸۹-۱۹۷۴) در حدود سال ۱۹۳۰ ابداع کرد (بلاتر ۱۹۹۶ به نقل از حق‌شناس و اشکانی، ۱۳۸۳). تئاتر درسی یکی از انواع آموزش‌های گروهی است. باین‌همه، عاملی در تئاتر درسی نهفته است که سبب شده این روش، از روش‌های معمول آموزش گروهی فراتر رود واقعیتی از نوع دیگر بیافریند (فتحی، ۱۳۸۰).

نمایش، فرصت یادگیری فعال و معنادار را فراهم می‌کند؛ چون که بخش فیزیکی، روانی و هیجانی فرد را درگیر می‌کند (وریور، ۱۹۹۴)

نمایش به کودکان کمک می‌کند تا همکاری کرده و بتوانند خود را به‌صورت مؤثرتری در زندگی روزمره ابراز کنند. نمایش، درس را برای دانش‌آموزان فعال‌تر، جذاب‌تر و جالب‌تر کرده و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا الگوهای منطقی، روابط علی و معلولی، تفسیر مفاهیم و همچنین، یادگیری را از طریق روخوانی و واژگان درک کنند. نمایش، خلاقیت فرد را بهبود می‌بخشد و با فراهم کردن فرصت دستیابی به مهارت‌های مربوط به ویژگی‌های رشدی، به رشد چندبعدی آن‌ها کمک می‌کند.

نمایش تضمین می‌کند افراد خود و محیط خود را عمیقاً درک کنند (آرال، کاندیر و کان، ۲۰۰۰). افراد در طول بازی نقش در نمایش، دیدگاه‌های دیگران را در نظر می‌گیرند؛ یعنی مهارت درک دیدگاه‌های دیگران در آن‌ها پرورش می‌یابد (کوکسال آکیول، ۲۰۰۳). به دست آوردن تجربه از رویدادها و شرایط مختلف، از طریق گرفتن نقش‌های مختلف، باعث بهبود مهارت همدلی می‌شود. تئاتر به افراد این فرصت را می‌دهد که خود را به‌جای دیگران بگذارند و تفکر چندبعدی را در آن‌ها پرورش می‌دهد (آرال، باران، بولوت و سیمن، ۲۰۰۰)

تدریس درام بسیار بداهه آمیز است. این در مقایسه با این واقعیت است که معمولاً معلم تلاش زیادی برای برنامه‌ریزی محیط یادگیری می‌کند. چالش روبه‌رو شدن با هر معلم و مدرسه این است که میان خلاقیت و ساختار که یادگیری دانش‌آموز را بهینه‌سازی می‌کند، تعادل ایجاد شود (سوپر، ۲۰۱۱). از دیدگاه یادگیرندگان، معلمان باید حضورداشته باشند و به طرز ماهرانه‌ای به نیازها، نقاط قوت و تجربیات آن‌ها پاسخ دهند و این مسئله با داشتن احساس امنیت و توانایی ریسک کردن مرتبط است. در چنین شرایطی شرکت‌کنندگان خود را به‌مثابه بخشی از گروه کشف می‌کنند (راجر و ریدر روث، ۲۰۰۶؛ توویانن، مالکامکی، ایوونن و رویسماکی، ۲۰۱۵).

در تئاتر درسی، معلمان چندین عامل را در نظر می‌گیرند و در صورت نیاز برنامه‌های خود را تغییر می‌دهند. گاهی اوقات، اطلاعات ارائه‌شده از دانش‌آموزان به معلم فرصتی می‌دهد برای آموزش چیزی که برنامه‌ریزی نشده است. بر این اساس، معلم خلاق باید بتواند طبق چنین شرایطی، محیط یادگیری را برای ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموز بسازد. معلمان تئاتر درسی باید آماده باشند درجایی که نتایج قابل پیش‌بینی نیست، خود را وارد فرایندهای خلاقانه کنند. برای این کار، اصول بداهه‌پردازی مانند خودانگیختگی، پذیرش، تحمل اشتباهات و رهبری استفاده از تفکر جمعی، به معلمان تئاتر درسی کمک می‌کند (لتونن،



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کازینن، واکوا و توپوانن، ۲۰۱۶). در کلاس درس، معلم نه تنها یک رهبر مسئول ویژگی‌های تئاتر درسی، بلکه یک همکار یادگیرنده است (تووپانن، رانتالا و رویسمایی، ۲۰۰۹؛ مکلاکلانا وینترسا، ۲۰۱۴).  
مطالعات زیادی مؤید تأثیر نمایش خلاقانه بر آموزش به‌طور کلی (کوکادار و ییلماز، ۲۰۱۰؛ ازدمیر و اوستانداگ، ۲۰۰۷؛ تاشکین خان، ۲۰۱۳) و رشته‌های مختلفی مثل علوم، ریاضی، زبان، روانشناسی (دواتپ و آبوز، ۲۰۰۴؛ آریلی، ۲۰۰۷؛ ازدمیر و اوستانداگ، ۲۰۰۷) و همچنین، ویژگی‌های عاطفی و هیجانی (تاشکین خان، ۲۰۱۳) است.

در پیشینه تئاتر درسی، بر دو روش اساسی برای ایجاد نمایش خلاقانه تأکید شده است: نخست، نمایش خلاقانه در برنامه آموزشی به مثابه یک هنر و دوم، در نظر گرفتن آن به مثابه فعالیتی که به رشد فردی کودکان کمک می‌کند. مایکل (۲۰۰۰) نشان می‌دهد تکنیک‌های تئاتر درمانی برای کاهش افکاری که موجب برانگیختگی رفتارهای خشن شوند، به کار می‌روند. هامامسی (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تأثیر متقابل تئاتر درمانی و درمان شناختی رفتاری را بر کاهش تحریفات شناختی مرتبط با روابط بین فردی ۲۴ دانش‌آموز بررسی کرد و دریافت جلسات درمانی، تحریفات شناختی گروه آزمایشی را کاهش می‌دهد؛ بدین صورت که در متغیرهای اجتناب از صمیمیت، انتظارات غیرمنطقی در روابط و ذهن‌خوانی کاهش دیده شده است. کوکادار و ییلماز (۲۰۱۰)، آموزش مبتنی بر تأثیر نمایش خلاق بر پیشرفت علوم و اکولوژی دانش‌آموزان پایه هفتم و نگرش آن‌ها نسبت به علوم را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین میانگین نمرات هر دو گروه در یادگیری مفاهیم اکولوژی و نمره میانه نگرش درباره علوم بوده است. دادستان، اناری و صالح صدق پور (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان دادند اجرای ۱۲ جلسه تئاتر درمانی موجب کاهش معنادار نشانه‌های مرضی اختلال اضطراب اجتماعی و پایداری آن در یک پیگیری سه‌ماهه در کودکان شده است. رجبی، نعمتی و نریمانی (۲۰۱۳) در تحقیقی نشان دادند تئاتر درمانی اثر معناداری برافزایش مهارت‌های گفتاری دانش‌آموزان دوزبانه دارد؛ هرچند اثر معنی‌داری بر معدل تحصیلی آنان نداشته است.  
تحقیقات داخلی نیز گویای اثربخشی تئاتر درمانی بوده است. فعالیت‌های هنری باوجود تأثیرات عظیم تربیتی و آموزشی در رشد دانش‌آموزان متأسفانه نتوانسته است جایگاه خاص و شایسته خود را در نظام تربیتی ایران پیدا کند؛ به‌طوری‌که تاکنون سازوکار و فرایند مشخص و سازمان‌یافته‌ای برای تعلیم و تربیت کودکان از طریق وزارت آموزش و پرورش یا نهادهای ذی‌ربط دیگر طراحی نشده است؛ بنابراین سؤال اصلی این است که به‌کارگیری فنون تئاتر درسی چه تأثیری بر میزان یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد؟

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف تحقیق با توجه به اهداف پژوهش، جزو پژوهش‌های کاربردی است. از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهش در مجموعه تحقیقات پیمایشی و شبه آزمایشی قرار می‌گیرد. به‌منظور سنجش میزان یادگیری فراگیران، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته، مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون متشکل از ۱۱ سؤال عینی پنج گزینه‌ای بود. تعیین روایی آن توسط اساتید حوزه علوم تربیتی و کارشناسان و آموزگاران دوره ابتدایی مورد تأیید قرار گرفت و جهت تعیین پایایی پرسشنامه روش آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفت که ۰/۹۶ محاسبه شد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم ابتدایی اهواز که تعداد ۴۴۲ نفر است که با توجه به طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و محدودیت در اجرای این طرح، از نمونه در دسترس که تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان انتخاب شدند. تعداد افراد در این گروه ۳۰ نفر بود که یک گروه برحسب تصادف با تعداد فراگیران ۱۵ نفر، تحت آموزش تئاتر درسی قرار گرفتند (گروه آزمایش) و گروه دیگر با تعداد فراگیران ۱۵ نفر در روش آموزش عادی قرار گرفتند. (گروه کنترل) با توجه به هدف پژوهش، ابتدا گروه‌ها برحسب تصادف به آزمایش و گواه انتساب یافتند. یکی از ویژگی‌هایی که طرح‌های آزمایشی باید از آن برخوردار باشند، وفاداری به عمل آزمایش است. این امر به‌ویژه زمانی که پژوهشگر و آزمایشگر فرد واحدی نیستند از حساسیت بیشتری برخوردار است. این امر را می‌توان از طریق آموزش صحیح به افرادی که مجری آن هستند به حداکثر رساند (گال، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر، جهت آشنا نمودن مدرسان با نقش‌هایشان در کلاس به‌صورت زیر اقدام شد:

الف) برگزاری جلسه‌ای پیش از شروع کلاس و بیان نقش‌های مدرسان به ایشان.

ب) حضور پژوهشگر در فرایند آموزش و دادن بازخوردهای لازم جهت اجرای هرچه بهتر آموزش این کلاس‌ها در ۸ هفته متناوب برگزار شد.

جهت تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات ۱ و ۲ و ۳ پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد.

## یافته‌ها

### تحلیل توصیفی

جهت تحلیل توصیفی از جدول فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد استفاده شد.

جدول شماره ۱: بررسی توصیفی نمرات میزان یادگیری در گروه آزمایش و کنترل

گروه	پیش‌آزمون			پس‌آزمون		
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	۱۵	۱۳۹	۳۸	۱۵	۱۵۷	۴۴
کنترل	۱۵	۱۳۸	۲۰	۱۵	۱۴۱	۲۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین نمرات میزان یادگیری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل تفاوت چندانی ندارند، اما میانگین نمرات میزان یادگیری در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش تفاوت بارزی دارند. به‌طوری‌که در گروه کنترل میانگین نمرات افزایش محسوسی را نشان نمی‌دهد؛ اما در گروه آزمایش میانگین از ۱۳۹ به ۱۵۷ رسیده که در کل ۱۸ نمره افزایش داشته است. این نشان می‌دهد مداخله متغیر مستقل در افزایش میزان یادگیری دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده است.

## تحلیل استنباطی

جهت مقایسه نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است. تحلیل کوواریانس حالت جامعی از انواع تحلیل واریانس است که در آن ضمن مقایسه میانگین‌های یک یا چند گروه و برآورد تأثیر یک یا چند متغیر مستقل، اثر یک یا چند متغیر کنترل یا متغیر کمکی از معادله خارج می‌شود. تحلیل کوواریانس روش آماری است که اجازه می‌دهد اثر یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار گیرد در حالی که اثر متغیر دیگری را حذف کرده و یا از بین می‌برد. همچنین به ما کمک می‌کند تا از شر اثرات مربوط به متغیر کنترل خلاص شویم، اثر این کار کم کردن میزان خطای واریانس است برای انجام تحلیل آماری در این پژوهش نمرات پس‌آزمون به‌عنوان متغیر وابسته، نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر کنترل یا کمکی در نظر گرفته شد. متغیر کنترل به‌صورت یک متغیر پیوسته در نمرات پس‌آزمون تأثیر دارد که در پژوهش حاضر سعی در حذف اثر آن داریم. همچنین متغیر گروه (تئاتر درسی) به‌عنوان یک متغیر مستقل کیفی در نظر گرفته شد. به‌طوری‌که گروه آزمایش تحت تأثیر این متغیر قرار گرفته ولی گروه کنترل این دوره را نگذرانده است.

## بررسی سؤال اصلی پژوهش

آیا تئاتر درسی در میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد؟

شناسایی تأثیر مؤلفه‌های سازمانی تئاتر درسی در میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی

جدول شماره ۲: آزمون تحلیل کوواریانس تأثیر مؤلفه‌های سازمانی

ضریب	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F آزمون	سطح معناداری
۱	ضریب ثابت	۱۳۳۱/۵۳۰	۸	۱۶۶/۴۴۱	۷/۸۳۸	۰/۰۱۱
۲	اثر نمره پیش‌آزمون	۳۹/۰۹۶	۱	۳۹/۰۹۶	۱/۸۴۱	۰/۲۲۴
۳	اثر گروه	۱۱۴۲/۴۳۱	۷	۱۶۲/۲۰۴	۷/۶۸۶	۰/۰۱۲
۴	خط	۱۲۷/۴۰۴	۶	۲۱/۲۳۴		
۵	مجموع	۲۲۲۹۱/۰۰۰	۱۵			

طبق اطلاعات به‌دست آمده از جدول شماره ۵ اثر متغیر گروه (تئاتر درسی) معنی‌دار شده که برابر با  $0/012$  ( $p < 0/05$ ) است. لذا متغیر گروه در میزان نمره پس‌آزمون افراد تأثیر دارد و این نشان‌دهنده تأثیر متغیر مستقل در افزایش به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس هست. پس تئاتر درسی مؤثر بوده است؛ اما اثر نمره پیش‌آزمون معنی‌دار نیست ( $p > 0/05$ ) است بنابراین نمره روش‌های نوین تدریس افراد در مرحله پیش‌آزمون بر روی نمره افراد در مرحله پس‌آزمون تأثیر ندارد.

## بررسی فرضیه دوم شناسایی تأثیر مؤلفه‌های زیرساختی تئاتر درسی در میزان یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی

جدول شماره ۳: آزمون تحلیل کوواریانس تأثیر مؤلفه‌های زیرساختی

ضریب	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F آزمون	سطح معناداری
۱	ضریب ثابت	۱۰۵۶/۷۲۴	۸	۱۳۲/۰۹۱	۶/۴۴۳	۰/۰۱۸
۲	اثر نمره پیش‌آزمون	۱۰/۹۹۱	۱	۱۰/۹۹۱	۰/۵۳۶۶	۰/۴۹۲



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۰/۰۱۵	۶/۹۴۸	۱۴۲/۴۴۵	۷	۹۹۷/۱۱۳	اثر گروه	۳
		۲۰/۵۰۱	۶	۱۲۳/۰۰۹	خط	۴
			۱۵	۲۲۶۸۸/۰۰۰	مجموع	۵

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۳ اثر متغیر گروه معنی دار شده که برابر با ۰/۰۱۵ ( $p < ۰/۰۵$ ) است هست. لذا متغیر گروه در میزان نمره پس آزمون افراد تأثیر دارد و این نشان دهنده تأثیر تفاوت درسی در افزایش میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی هست. پس تفاوت درسی مؤثر بوده است؛ اما اثر نمره پیش آزمون معنی دار نیست ( $p > ۰/۰۵$ ) است بنابراین نمره اجرای طراحی آموزشی افراد در مرحله پیش آزمون بر روی نمره افراد در مرحله پس آزمون تأثیر ندارد.

## بررسی فرضیه سوم شناسایی تأثیر مؤلفه‌های آموزشی تفاوت درسی در میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی

جدول شماره ۴: آزمون تحلیل کوواریانس تأثیر مؤلفه‌های آموزشی

ضریب	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F آزمون	سطح معناداری
۱	ضریب ثابت	۲۴۲۷/۱۸۹	۸	۳۰۳/۳۹۹	۱۰/۰۶۸	۰/۰۰۶
۲	اثر نمره پیش آزمون	۹۵/۶۸۹	۱	۹۵/۶۸۹	۳/۱۷۵	۰/۱۲۵
۳	اثر گروه	۲۲۱۹/۳۰۰	۷	۳۱۷/۰۴۳	۱۰/۵۲۱	۰/۰۰۵
۴	خط	۱۸۰/۸۱۱	۶	۳۰/۱۳۵		
۵	مجموع	۱۹۹۴۸/۰۰۰	۱۵			

طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۴ اثر متغیر گروه معنی دار شده که برابر با ۰/۰۰۵ ( $p < ۰/۰۵$ ) است. لذا متغیر گروه در میزان نمره پس آزمون افراد تأثیر معنی داری داشته و این نشان دهنده تأثیر اجرای تفاوت درسی در میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی به صورت معنی دار است. پس اجرای تفاوت درسی مؤثر بوده است. همچنین اثر نمره پیش آزمون معنی دار نیست ( $p > ۰/۰۵$ ). بنابراین نمره اجرای ارزشیابی افراد در مرحله پیش آزمون بر روی نمره افراد در مرحله پس آزمون تأثیر ندارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه باهدف بررسی تأثیر تئاتر درسی در تسهیل یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. اهمیت موضوع یاددهی-یادگیری و تقاضای روزافزون برای دسترسی به امر آموزش از یک طرف و از طرف دیگر تأکید بر اثربخش بودن آموزش، ضمن کاهش هزینه‌های آن، یکی از چالش‌های پیش روی همه سازمان‌های آموزشی است. بدون تردید، ظهور فناوری‌های نوین آموزشی و پیدایش آموزش الکترونیکی، نوید فراهم کردن این فرصت‌ها را به ما داده است اما این به‌تنهایی باعث ایجاد یادگیری عمیق و مؤثر نمی‌شود و آموزش الکترونیکی نیز باوجود تمامی مزایایی که دارد، دارای محدودیت‌های خاص خود از قبیل افزایش هزینه‌های اولیه نسبتاً بالا، محدودیت دسترسی همگان در بهره‌برداری و دسترسی به رایانه و خدمات جانبی آن، محدودیت اعمال مدیریت و نظارت بر منابع آموزشی و هدایت نظام‌یافته آن‌ها، محروم ماندن فراگیران در بهره‌مندی از روابط اخلاقی و تربیتی بین معلمان و فراگیران و کم بودن پهنای باند در ارسال چند رسانه مطالب آموزشی است. از طرف دیگر، آموزش‌های سنتی (رودررو) نیز در کنار محدودیت‌هایی که دارند، دارای مزایایی از قبیل کمک‌مربی برای فراگیری محتوی و تشویق یادگیری، برقراری ارتباط بین تجارب گذشته و حال فراگیران، سرعت بخشیدن تسهیلگر در فرآیند کسب معلومات و دریافت بازخورد از طریق دیگران هستند و نمی‌توان به طور کامل آن‌ها را کنار گذاشت و از رویکرد آموزش الکترونیکی صرف استفاده کرد؛ بنابراین، با توجه به مزایا و محدودیت‌های هر دو نوع آموزش سنتی و الکترونیکی، پدیده تازه‌ای بنام تئاتر درسی به وجود آمده است که در مقاله حاضر به طور مختصر به کاربرد آن در حوزه آموزش ابتدایی پرداخته شد. با توجه به ادبیات بحث شده در این مقاله و از آنجایی که رویکرد تئاتر درسی به طرق مختلف می‌تواند در فرآیند آموزش و یادگیری مؤثر واقع شود که برخی از این عوامل شامل بازخورد سریع از جانب مربی به دانش‌آموز، افزایش تعاملات انسانی و انعطاف‌پذیری در آموزش است. علاوه بر این، رویکرد تئاتر درسی از لحاظ مسائل مالی و هزینه‌ها نیز در تمامی سازمان‌های آموزشی دارای اولویت است. هرچند تاکنون محقق به منابع یک کار آزمایشی و تجربی در قالب یک سناریو تئاتر درسی برای استفاده در آموزش ابتدایی در مقایسه با روش رایج دسترسی نداشته است؛ اما همان‌گونه که در مطالب قبلی عنوان گردید، نتایج کاربرد روش تئاتر درسی در تحقیقات متعدد از قبیل وی و همکاران (۲۰۱۰)، سچویزر و همکاران (۲۰۰۳) و متاسچینگ پیتریک و مالیچ (۲۰۰۴) مؤید تأثیر مثبت این روش در امر آموزش و تدریس است. در پژوهش حاضر نیز استفاده آموزش تئاتر درسی، به‌عنوان یکی از بهترین روش‌ها برای تثبیت آن چه که از طریق روش‌های تدریس رایج به دانش‌آموز انتقال یافته، مورد تأیید واقع گردید. درمجموع نتایج تحقیق، انتظارات محقق را در خصوص تأثیر این روش در مقایسه با روش رایج، تأیید نموده که دلایل آن می‌تواند، قابلیت‌های این فعالیت‌ها به‌خصوص به‌صورت گروهی باشد. لذا پیشنهاد می‌شود، معلمان و آموزشگران در سطوح مختلف آموزشی، ترکیب کاربرد آموزش‌های مستقیم با روش تئاتر درسی را مدنظر قرار دهند.





## منابع

۱. Azad, I. (2006), success factors in vocational education and training systems, the growth of vocational education [in Persian].
۲. Asare, A. (2007), Adaptive Studies of Secondary Education in Selected Countries, Tehran, Yadvare Publishing [in Persian].
۳. Bonk, C. J., & Graham, C. R. (2006), The handbook of blended learning environments: Global perspectives, local designs, San Francisco: Jossey Bass/Pfeiffer.
۴. Eddy, E. R., & Tannenbaum, S. I., (2003), Transfer in an e-learning context, In Holton, E. F. & Baldwin, T. T. (Eds.), Improving learning transfer in organizations, pp. 161-194, San Francisco, CA: John Wiley & Sons, Inc.
۵. Farhadi, R. (2005), Electronic Learning New Paradigm in the Information Age, Journal of [in Persian]
۶. Gall, M. Borg, & Gall, J. (1942). Qualitative and quantitative research methods in education and psychology, Translated by Ahmadreza Nasr (1389), Volume II, Tehran: SAMT (Persian)
۷. Garrison, D. R., & Cleveland-Innes, M. (2004), Critical factors in student satisfaction and success: Facilitating student role adjustment in online communities of inquiry. In Bourne J., & Moore, J. C. (Eds.), Elements of quality online education: Into the mainstream, Vol. 5 in the Sloan-C Series, pp. 47-58.
۸. Graham, C. R. (2006), Blended learning systems: definition, current trends, and future directions, In: Bonk, C. J. & Graham, C. R. (Eds.), The handbook of blended learning: Global perspectives, local designs, Pfeiffer San Francisco, pp. 3-21.
۹. Harris, P. (2005), Blended learning fuels sales at Toshiba, Learning Circuits, Retrieved at: [http://www.learningcircuits.org/2005/nov2005/0511\\_Toshiba\\_Harris\\_Htm](http://www.learningcircuits.org/2005/nov2005/0511_Toshiba_Harris_Htm).
۱۰. Huang, R., Ma, D., & Zhang, H. (2008), "Towards a design theory of blended learning curriculum, In Fong, J. Kwan, R. & Wang, F. L. (Eds.), ICHL, 2008, LNCS 5169, pp. 66-78.
۱۱. KHLaghi, A. (2006), The role and importance of technical and vocational education in economic development, the growth of vocational education [in Persian] *Science and Technology*, Vol. 21, No. 1
۱۲. Kim, K. J., Bonk, C., & Teng, Y. T. (2009), The present state and future trends of blended learning in workplace learning settings across five countries, *Asia Pacific Education Review*, Vol. 10, No. 3, pp. 299-308.
۱۳. management, Retrieved at: <http://Wikieducator.org/PCF5: Some Experiences in Blended Learning for Agriculture and Natural Resources Management>.
۱۴. Osguthorpe, T. R., & Graham, R. C. (2003), Blended learning environments, *Quarterly Review of Distance Education*, Vol. 4, No. 3, pp. 227-233.
۱۵. Qasemi Pouya, Office of Research and Planning, Vice-President of Vocational Education and Training, Fatemi Publishing [in Persian]
۱۶. Rossett, A. (2006), Beyond the talk about blended learning, Chief Learning Officer, Retrieved.



۱۷. Schweizer, K., Paechter, M., & Weidenmann, B., (2003), Blended learning as a strategy to improve collaborative task performance, *Journal of Educational Media*, Vol. 28, No. 2-3, pp. 211-422.
۱۸. Twomey, A, (2004), Web-based teaching in nursing: lessons from the literature, *Journal of Nurse Education Today*, Vol. 24, No. 6, pp. 452-8
۱۹. UNESCO, 1382, Technical and vocational education in the 21st century, translation by Abdolhossein Nafisi, Tehran
۲۰. UNESCO, (1973) *Teaching and Training of Technical and Vocational Teachers*, Translation by Iqbal
۲۱. Van Dam, N., & Andrade, M. (2005), Supercharge your blended learning, Chief Learning Officer, Retrieved at: [http://www.clomedia.com/content/templates/clo\\_article.asp?articleid=916&zoneid=77](http://www.clomedia.com/content/templates/clo_article.asp?articleid=916&zoneid=77).
۲۲. Vandenbosch, T., & Beniast, J. (2008), Some experiences in blended learning for agriculture and natural resources